

ادب عربي، سال ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹



10.22059/jalit.2019.231455.611696

Print ISSN: 2382-9850/Online ISSN: 2676-7627

<http://jalit.ut.ac.ir>

Critical Discourse Analysis of Representation of Iran in *Asharq Al-Awsat* Based on Van Leeuwen's Theories

Zeinab Ghasemi Asl*

PhD Graduate of Arabic Language and Literature, University of Tehran

Shahriar Niazi

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Tehran

Received: April 18, 2017; Accepted: November 25, 2019

Abstract

The present article seeks to analyze the contents of an Arabic newspaper based on the linguistic principles of text and discourse. The importance and necessity of this work is that it explains and reveals the linguistic techniques that journalists use to engage in media warfare against a country. Since Iran is a regional power in the Middle East, the newspaper *Asharq Al-Awsat* was selected from a country with an opposing discourse, namely Saudi Arabia, to show the various forms of use of ideology in the press. *Asharq Al-Awsat* has the important feature (important to this study) of writing ideological news against Iran. So the texts studied in this article are deliberately selected from a newspaper whose hostility to Iran is clear, despite claims of neutrality. The reason for this choice is to be able to perform a precise analysis of a discourse against Iran. The purpose of the article is to analyze the semantic discourse constructs of *Asharq Al-Awsat* with the aim of explaining the representational patterns in it. To do so, the critical discourse analysis model of Theo Van Leeuwen is used, which discusses representation in political texts, and the selected texts are examined qualitatively. According to Van Leeuwen's theories — according to, for instance, what he calls role allocation — several factors show the ideological interferences of the authors with the discourse structures of the text. In many cases, this newspaper, through various textual and linguistic strategies such as identification and classification, represents Iran as an influential actor with negative performance. In all such cases, on the contrary, the authors have represented Saudi Arabia positively. Thus, the article argues that the primary strategy of the text on which its structural discourses are based is to portray the negative and interfering role of Iran in opposition to the positive activism of Saudi Arabia.

Keywords: Representation, Discourse analysis, Iran, *Asharq Al-Awsat*, Van Leeuwen.

*. Corresponding author: z.ghasemiasl@ut.ac.ir

تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی ایران در روزنامه *الشرق الأوسط* با تکیه بر الگوی ون لیوون

زینب قاسمی اصل*

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

شهریار نیازی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

(از ص ۲۳ تا ص ۴۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۴

چکیده

پژوهش حاضر تلاش دارد با تکیه بر اصول جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان، محتوای رسانه‌ای عربی را مورد تحلیل قرار دهد. اهمیت این کار در تبیین و آشکارسازی تکنیک‌هایی است که خبرنگاران با استفاده از آنها جنگ رسانه‌ای را علیه گفتمان مخالف با استفاده از ترفندهای معنایی و مطبوعاتی به انجام می‌رسانند. از آنجا که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه مطرح است، روزنامه *الشرق الأوسط* از کشوری با گفتمان مخالف یعنی عربستان سعودی انتخاب شد تا بتوان شکل‌های مختلف کاربرد ایدئولوژی را در زبان مطبوعاتی نشان داد. بدین منظور از الگوی تحلیل گفتمان انتقادی «تئو ون لیوون» که نمودهای متنی بازنمایی را در متون سیاسی به بحث می‌گذارد، استفاده و متون انتخابی از نظر کیفی مورد بررسی قرار گرفت. در دو شاخه اصلی این الگو یعنی ارجاع‌دهی و واگذاری نقش، مؤلفه‌های متعدد، دخالت ایدئولوژیک نویسندگان روزنامه *الشرق الأوسط* در ساخت‌های گفتمانی متن را به صراحت نشان می‌دهد. در این روزنامه، ایران به عنوان کنشگر فعال با عملکرد منفی با استراتژی‌های مختلف متنی و زبان‌شناختی مانند ارزش‌دهی منفی، هویت‌دهی، طبقه‌بندی، تفکیک، پیوند، تقابل و... بازنمایی شده است. استراتژی کلان متن که ساخت‌های گفتمانی بر اساس آن شکل گرفته‌اند، ترسیم نقش منفی و مداخله‌گر برای ایران به عنوان کنشگر تأثیرگذاری است که در تقابل با کنشگری مثبت عربستان قرار دارد. در موارد متعدد که بازنمایی‌های منفی علیه ایران انجام شده، نویسندگان به همان اندازه و بلکه بیشتر بازنمایی مثبت از عربستان انجام داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی، استراتژی‌های گفتمان، ایران، *الشرق الأوسط*، ون لیوون.

۱. مقدمه

اخبار و تحلیل‌هایی که به صورت روزانه در مطبوعات و دیگر رسانه‌ها منتشر می‌شود، مبتنی بر بستری ایدئولوژیک است. در مراحل مختلف تولید خبر اعم از «مشاهده»، «تعبیر»، «روایت» و «اشاعه» خبر به ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و هنجارهایی که از آن‌ها برخاسته، حکم طبیعی و عینی می‌بخشد و در گستره خود آن‌ها را بازتولید یا به عبارتی بازآفرینی می‌کند. بنابراین رسانه‌ها برخلاف آنچه ظاهراً به نظر می‌رسد در نقش خبری خود، آینه انعکاس رویدادها و واقعیات دنیای اجتماعی و سیاسی نیستند، بلکه برعکس، آفریننده واقعیات‌های اجتماعی و سیاسی هستند و به برداشت افراد از دنیای اطرافشان هستی می‌بخشند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۹). در این میان، تحلیل گفتمان انتقادی (critical discourse analysis) به عنوان رویکردی که زبان و کارکردهای آن را در سطوح مختلف مورد مطالعه قرار می‌دهد، از این قابلیت برخوردار است تا ضمن بررسی ساخت و لایه‌های معنایی زبان، نوع ارتباط آن را با قدرت و ایدئولوژی در سطوح مختلف نشان دهد. مک‌دانل می‌نویسد:

«در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی [اظهارات و مطالب بیان‌شده، گزاره‌ها و قضایای مطرح‌شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آن‌ها جملگی بستگی به این نکته دارند که مطالب بیان‌شده، گزاره‌های مطرح‌شده، قضایای مفروض و... کی؟ کجا؟ چگونه؟ توسط چه کسی؟ له یا علیه چه چیزی؟ یا چه کسی صورت گرفته‌اند. به بیان دیگر، بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب، گزاره و قضیه تعیین‌کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند» (۱۳۸۰: ۵۶).

بر همین اساس پژوهش حاضر به بررسی نمودهای گفتمانی مرتبط با بازنمایی ایدئولوژیک ایران در روزنامه *الشرق الأوسط* پرداخته است.

۲-۱. طرح مسأله

آغاز نهضت‌های بیداری در خاورمیانه که در رسانه‌های عربی از آن به بهار عربی تعبیر می‌شود، نبرد رسانه‌ای بین ایران و عربستان را به عرصه مهمی در مواجهه فرهنگی و حتی دیپلماتیک دو کشور تبدیل کرده است. انعکاس سوگیرانه و ایدئولوژیک اخبار و وقایع مربوط به ایران و نقش آن در تحولات منطقه، رویکردی است که اغلب رسانه‌های وابسته به عربستان سعودی در پیش گرفته‌اند. الگوی تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون (Theo van

(Leeuwen) که به طور خاص برای بررسی نحوه بازنمایی در ساخت‌های گفتمانی طراحی شده است، امکان تحلیل شیوه‌های بازنمایی و استراتژی‌هایی که برمبنای دخالت ایدئولوژیک در گفتمان‌های مخالف به کار گرفته می‌شوند را فراهم می‌سازد و در پژوهش حاضر از آن برای تحلیل روزنامه *الشرق الأوسط* استفاده شده است. بدین ترتیب در این نوشتار، ساخت‌های گفتمان‌مداری که با تکیه بر الگوی ون لیوون از متن استخراج می‌شوند، مورد بررسی قرار گرفته تا نمود دخالت ایدئولوژیک در خبر تبیین گردد.

۳-۱. پرسش پژوهش

ایدئولوژی حاکم بر روزنامه *الشرق الأوسط* درباره ایران، با چه نمودهای جامعه‌شناختی-معنایی در متون مورد بررسی، بازنمایی شده است؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

از جمله تحقیقاتی که نگارندگان در ارتباط با الگوی ون لیوون بدان دسترسی پیدا کرده‌اند مقاله «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی، الگوی ۲۰۰۸ ون لیون» است که آفاگل‌زاده میزان بی‌طرفی یا جانبداری رسانه‌های جهانی در پرداختن به پرونده هسته‌ای ایران را به بحث گذاشته و نتیجه تحقیق بر بازنمایی نمایندگان ایران به عنوان کنش‌گران غیرمنطقی و ستیزه‌جو و بازنمایی نمایندگان کشورهای غربی به عنوان کنش‌گران منطقی و صلح‌طلب دلالت دارد. دومین اثر نوشته پهلوان‌نژاد (۱۳۸۸) با عنوان «شیوه بازنمایی کنشگران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه، از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی» است که در آن ساختارها و مولفه‌های گفتمانی مرتبط با ایدئولوژی پنهان در لایه‌های زیرین متن با الگوی ون لیوون بررسی شده است.

مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مولفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان‌مدار با توجه به بازنمایی کنشگران اجتماعی» (۱۳۹۲) اثری دیگر در حوزه تحلیل گفتمان متن است که در آن «پوشنه» با هدف کشف رابطه بین دیدگاه‌های فکری-اجتماعی (ایدئولوژیک) با ساختارهای گفتمان‌مدار، الگوی ون لیوون را به کار بسته است.

دیگر اثر مرتبط با بحث حاضر، مقاله «تحلیل گفتمان با استفاده از مولفه‌های جامعه شناختی-معنایی گفتمان مدار با عنایت به تصویرسازی کنشگران اجتماعی» (۱۳۹۳) است که در آن یار محمدی با استفاده از الگوی ون لیوون و روش‌های تحلیل کمی به بررسی مولفه‌های گفتمان مدار در شعر خیام پرداخته و نتایج تحقیق بر کارآمدی این الگو برای بررسی گفتمان در متون ادبی اشاره دارد.

۲. روش تحقیق

الگوی انتخابی تئو ون لیوون که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته، رویکردی جامعه‌شناختی-معنایی است که به طور خاص برای تحلیل بازنمایی طراحی شده و استراتژی‌های زبانی متن را با تنوع زیاد بررسی می‌کند. ون لیوون در مقاله «بازنمایی کنشگران اجتماعی» (۱۹۹۶)، با ارائه فهرستی از شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی و تعریف و تبیین هر یک از آنها، استدلال می‌کند که مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان، نسبت به بررسی مؤلفه‌های زبان‌شناختی، شناختی عمیق‌تر و جامع‌تر از متن ایجاد می‌کند. به باور وی، این مؤلفه‌ها در نشان دادن لایه‌های زیرین متن کارایی بیشتری دارند. ون لیوون معتقد است که در تحلیل گفتمان انتقادی، نخست باید توجیه گفتمانی به‌کارگیری و یا عدم ب‌کارگیری هر یک از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی را مشخص، سپس به تحقق زبان‌شناختی آنها در گفته یا متن پرداخته شود. دلیل اصلی ون لیوون در مقدم دانستن مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی بر مؤلفه‌های زبان‌شناختی این است که کنشگران زبان‌شناختی و کنشگران اجتماعی همواره بر یکدیگر منطبق نیستند (آقاگل‌زاده، اسدی، گلفام و افراشی، ۱۳۹۴: ۵). در رابطه با مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی، می‌توان گفت عرف و کارکرد اجتماعی به مجموعه‌ای از افعال، برخوردها، رفتارها، بینش‌ها و نگرش‌هایی اطلاق می‌شود که در نهادهای رسمی و یا غیررسمی، الگوهای جاافتاده و نهادینه‌شده‌ای را شکل می‌دهند که کنشگران اجتماعی معمولاً در چارچوب آن الگوهای مشخص و تا حد زیادی قابل پیش‌بینی، رفتار می‌کنند. گفته هر یک از کنشگران نیز در قالب همین اعمال و دیدگاه‌های فکری-اجتماعی یا ایدئولوژی حاکم بر این نهاد، معنا پیدا می‌کند و تعبیر و تفسیر می‌شود. به عبارت دیگر، هر یک از کنشگران بر اساس بافت

زبان‌شناختی و همچنین جامعه‌شناختی خود، به ویژه طبق نوع روابط قدرتی که بین کنش‌گران اجتماعی ساری و جاری است، به کمک مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی به گونه‌های مختلف در گفتمان تصویرسازی یا بازنمایی می‌شوند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۶). با توجه به متد انتخاب شده برای تحقیق، روش انجام این پژوهش تحلیلی-کیفی و به صورت اکتشافی خواهد بود. ابتدا با توجه به مولفه‌های مشخص شده در الگوی ون لیوون، جملات و عباراتی که دلالت‌های موردنظر در آن‌ها وجود دارد، دسته‌بندی و سپس به تحلیل آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱. متون مورد بررسی

روزنامه *الشرق الأوسط* عربستان به سردبیری «سلمان‌الدوسری» شناخته‌شده‌ترین روزنامه عربی زبان است که همزمان در چهار قاره و چهارده کشور جهان منتشر می‌شود. این روزنامه بنا بر آنچه در سایت رسمی آن آمده با تمرکز بر مسائل بین‌المللی و اخبار دنیای عرب منتشر و به مصاحبه با چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در سراسر جهان مشهور است. برای انجام این پژوهش ۱۰ سرمقاله از روزنامه *الشرق الأوسط* که توسط شناخته‌شده‌ترین تحلیل‌گران این روزنامه به رشته تحریر درآمده‌اند، انتخاب شد.

۲-۲. الگوی تئو ون لیوون

تئو ون لیوون، زبان‌شناس و نظریه‌پرداز معاصر، یکی از توسعه‌دهندگان اصلی حوزه تحلیل گفتمان انتقادی است که تحت تاثیر مکتب نشانه‌شناسی اجتماعی هلیدی (Michael Halliday) علاوه بر تحلیل متن، در نشانه‌شناسی گفتمان فیلم، کاریکاتور و تصویر نیز فعالیت‌های گسترده‌ای داشته است. بنا بر نظر ون لیوون بهتر است که در تحلیل توجیهی گفتمان از مولفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی استفاده شود. بعد از اینکه توجیه گفتمانی و یا علت به کارگیری هر یک از مولفه‌ها در تحلیل مشخص شد، آنگاه می‌توان به تحقق زبان‌شناختی آن‌ها پرداخت (یارمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۱). هلیدی در الگوی خویش برای نشانه‌شناسی گفتمان، از اصطلاح «مشارکین یا عاملان گفتمان» استفاده کرده اما ون لیوون، اصطلاح «کنشگران اجتماعی» را برگزیده است.

۲-۲-۱. تعریف مفاهیم

گفتمان: به نوشته ون دایک، گفتمان، هم صورتی خاص از کاربرد زبان و هم صورتی خاص از تعامل اجتماعی را در بر می‌گیرد و به مثابه رویدادی ارتباطی در موقعیت اجتماعی است. تحلیل گفتمان را بر اساس مقوله کنش نیز می‌توان تعریف کرد. یعنی تحلیل گفتمان به مثابه کنش جاری اجتماعی با تأکید بر نظم و سازمان است (ون دایک، ۱۳۸۲: ۸۰). کنش اجتماعی در انتزاع صورت نمی‌گیرد بلکه در بستر یا بافتی اجتماعی روی می‌دهد.

هدف تحلیل گفتمان متن عبارت است از آشکار کردن هنجارها و قواعد پنهان در تولید زبان. این نوع تحلیل به ویژه علاقه‌مند است بدانند که چگونه گفتمان متشکل از مجموعه‌ای از واحدهای سلسله مراتبی است که ساختار گفتمانی را می‌سازند (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷۸). **بازنمایی:** بازنمایی به ابعاد اطلاعاتی و فرا اطلاعاتی تولیدات رسانه‌ای، از جمله ابعاد نمادین و بدیع آن آثار اشاره دارد. بازنمایی در گستره عمومی به پرسش‌های اساسی نظیر اینکه «چه مطالبی» باید برای انعکاس انتخاب شوند و «چگونه» به مخاطبان عرضه گردند اشاره دارد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۰).

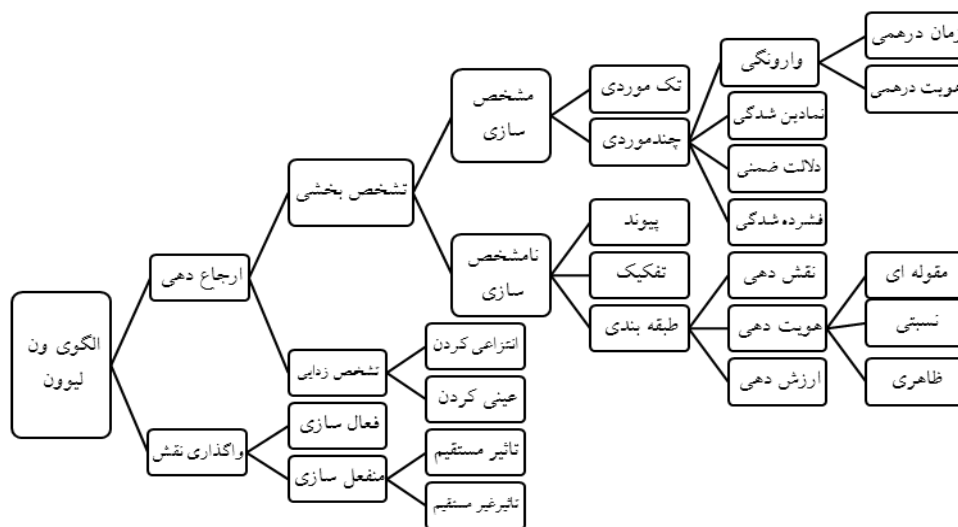
ایدئولوژی: ایدئولوژی‌ها اعتقادات بنیادینی هستند که بنیان بازنمایی‌های اجتماعی گروه را تشکیل می‌دهند. آن‌ها به عنوان طرحواره گروهی که هویت یک مجموعه را تعیین می‌کنند، در حافظه اجتماعی جای می‌گیرند (van Dijk, 2000: 86). «کارکرد ایدئولوژی، توجیه‌گری و دلیل‌تراشی برای وارونه‌نمایی واقعیت‌های اجتماعی است. به عبارتی ایدئولوژی، ذهن انسان را چنان کج می‌نماید که با جهان کج، هماهنگ افتد. به همین دلیل نظام‌های قدرت برای تداوم و مشروع جلوه دادن سلطه و هژمونی خود، دست به تولید و بازتولید ایدئولوژی می‌زنند و در این راه از رسانه‌ها بسیار کمک می‌گیرند. درواقع گزارش رسانه‌ها از رویدادها، تحت عنوان «خبر»، در چارچوب مفروضات ایدئولوژیک و گفتمانی حاکم، شکل می‌گیرد» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۸).

کنش‌گر (actor): در زبان‌شناسی، کنش‌گر دستوری یک نقش معنایی است که به پیش‌آورنده یا راه‌اندازنده یک رویداد گفته می‌شود.

۲-۲-۲. شرح الگو

الگوی پیشنهادی ون لیوون در مرحله نخست به دو سطح اظهار (inclusion) و حذف (exclusion) تقسیم می‌شود. این دو مؤلفه به عنوان سطوح کلان این الگو به شمار می‌روند. محقق باید بررسی خویش را بر مبنای این سطوح برنامه‌ریزی کرده و روش‌های به‌کارگیری استراتژی‌های معرفی‌شده را مورد مطالعه قرار دهد. حذف در این الگو اشاره به مواردی دارد که از بازنمایی کارگزاران اجتماعی به دلایل مختلف امتناع شده باشد. کشف دلایلی که بر مبنای آن‌ها از استراتژی حذف استفاده شده از وظایف محقق است. در مقابل حذف، اظهار قرار دارد. ممکن است نویسنده به دلایل ایدئولوژیک و... بر نوع خاصی از بازنمایی به شیوه اظهار درباره برخی کنش‌گران متن تأکید داشته باشد. ذکر این نکته ضروری است که استفاده از استراتژی حذف و اظهار به خودی خود حاوی پیام خاصی درباره متن نیست بلکه توجه به بافت موقعیتی و دلایلی که موجب به‌کارگیری این استراتژی‌ها شده است، باید برای دسترسی به نتایج دقیق، مدنظر پژوهشگر قرار گیرد.

در پژوهش حاضر، دو شاخه ارجاع‌دهی و واگذاری نقش از سطح اظهار الگوی ون لیوون برای بررسی و تحلیل انتخاب شده است.



شکل ۱. الگوی ون لیوون برای تحلیل گفتمان انتقادی به نقل از یارمحمدی (۱۳۹۳: ۶۶)

۳. بحث و بررسی

در این بخش، ضمن تعریف استراتژی‌های الگوی ون لیوون، به بررسی و تحلیل آن‌ها در متن سرمقاله‌های روزنامه *الشرق الأوسط* پرداخته می‌شود.

۳-۱. واگذاری نقش (roll allocation)

به دو روش فعال‌سازی و منفعل‌سازی صورت می‌گیرد. در فرآیند فعال‌سازی (activation)، کنش‌گر به صورت نیرویی فعال و پویا بازنمایی می‌شود (سعیدنیا، ۱۳۹۳: ۶۹۳).

«و هي المنصة التي انطلق منها ظريف للنيل من الرياض بسبب وقوفها إلى جانب مطالب الشعب السوري، و دعمها المستمر للمعارضة المعتدلة التي تحمل عبء مواجهة المشروع الإيراني في سوريا» (الشرق الأوسط، ۲۱/۹/۲۰۱۶). در این نمونه کنش‌گران جمله صراحتاً ذکر شده و نویسنده متن، همه آن‌ها را به صورت نیروهای فعال اعم از اثرگذار و اثرپذیر بازنمایی کرده است.

«فعلاقة حسن الجوار التي راهنت عليها دول وشعوب المنطقة، قابلتها طهران بسياسة التدخل في الشؤون الداخلية لكثير من الدول، مما تسبب بحروب طائفية، و عدم استقرار سياسي، من سوريا إلى العراق مروراً باليمن ولبنان» (الشرق الأوسط، ۲۱/۹/۲۰۱۶). در این پاراگراف «طهران» به عنوان کنش‌گری که تمام اتهامات ذکر شده توسط نویسنده متن به او نسبت داده شده به عنوان کنش‌گری فعال بازنمایی شده است که به طور کامل در جهت ناآرامی منطقه حرکت می‌کند. در مقابل این نوع بازنمایی منفی درباره ایران، رویکردی کاملاً مخالف و مثبت برای مسئولان عربستان اتخاذ شده است. به طور مثال در این پاراگراف: «لا أ طرح سؤالي في البداية لألح بأن السعوديين يمنون بخدمتهم للحجاج والحرمين، معاذ الله، لكنه محاولة لتخيل، من سيخدم مثلهم، وإلا فقد اختار ملوكهم، لقب خادم الحرمين الشريفين، بدلاً من كل ألفاظ التفخيم والتعظيم التي تمنح للملوك» (الشرق الأوسط، ۶/۹/۲۰۱۶). در این جا آل سعود به صورت واگذاری نقش از نوع مثبت، فعال‌سازی و بازنمایی شده است.

اما در روش منفعل‌سازی (passivation)، «کنش‌گر اجتماعی متحمل اثر یک کنش می‌شود و به گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویی به عمل تن می‌دهد یا آن را می‌پذیرد و یا اثر آن را به خود می‌گیرد» (اسدی و گلفام، ۱۳۹۴: ۹). منفعل‌سازی به دو روش تاثیرپذیری

مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود. در تاثیرپذیری مستقیم، کنشگر، موضوع و عمل هدف قرار می‌گیرد: «اليمن أصبح ساحة للإيرانيين بعد مفاوضات مسقط، وإن لم يكن لها علاقة مباشرة، إنما تسبب تصالح واشنطن معهم في فتح جبهات جديدة» (الشرق الأوسط، ۱۸/۱۰/۲۰۱۶). در این بند، یمن به عنوان کنشگر تاثیرپذیر، به طور مستقیم پذیرنده کنش‌های ایران بعد از مذاکرات مسقط شده است. نویسنده ادعا دارد گفتگوهای ایران و آمریکا در عمان در مورد قضیه هسته‌ای، در نهایت منجر به افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و تحت تاثیر قرار گرفتن یمن شده است.

تاثیرپذیری غیرمستقیم: کنشگر به صورت غیرمستقیم، تحت تاثیر نفع یا ضرر عاملی اجتماعی قرار می‌گیرد: «و ليس من مصلحة عُمان، و لا السعودية، مثل هذه النهاية المأساوية، لكن استمرار الحرب في اليمن يلائم فقط الاستراتيجية الإيرانية، التي تخوض حربًا ضد دول الخليج و المعسكر العربي، تدعم القتال على خريطة واسعة تشمل العراق، وسوريا، و اليمن، و التوتر في البحرين و لا يلائم عُمان الدولة الأكثر حضارية و بعدًا عن الحروب» (الشرق الأوسط، ۱۸/۱۰/۲۰۱۶). در این پاراگراف، ۹ کنشگر وجود دارد که در متن مشخص شده‌اند. نویسنده ابتدا با روش فعال‌سازی و واگذاری نقش، ایران را به عنوان کنشگر فعال و مسئول در جنگ یمن و حامی درگیری‌های عراق، سوریه و بحرین معرفی کرده، سپس با استفاده از استراتژی تاثیرپذیری غیرمستقیم، کشور عمان را به عنوان کنشگر منفعل مشخص کرده است. نویسنده قصد القای این نظر را دارد که همکاری‌های ایران و عمان، عمان را به صورت غیرمستقیم، رو در روی سایر کشورهای عربی قرار می‌دهد و این چیزی است که با سیاست‌های عمان در تضاد است.

۲-۳. ارجاع دهی (reference allocation)

به دو روش اصلی تشخیص بخشی و تشخیص زدایی صورت می‌پذیرد. در شیوه تشخیص بخشی، به کنشگران اجتماعی می‌توان مشخصه انسانی یا غیرانسانی داد (پارمحمدی و سیف، ۱۳۸۳: ۴۲۵). تشخیص بخشی، خود به دو شیوه مشخص‌نمایی و نامشخص‌نمایی انجام می‌شود.

۳-۲-۱. مشخص‌سازی (overdetermination)

در مشخص‌سازی هویت کنشگر اجتماعی به نحوی مشخص و روشن است (سعیدنیا، ۱۳۹۳: ۶۹۴) مشخص‌سازی خود به چهار زیرشاخه وارونگی، نمادین‌شدگی، دلالت ضمنی و فشرده‌شدگی تقسیم می‌شود.

وارونگی (inversion): کنش‌گر با دو کارکرد متقابل با یکدیگر بازنمایی می‌شود که به دو روش زمان‌درهمی و هویت‌درهمی انجام می‌شود. در حالت زمان‌درهمی، کنش‌گران و عملکردهایشان به زمان و گاه حتی مکان دیگری (آینده یا گذشته) منتقل می‌شوند (پوشنه، ۱۳۹۲: ۷): «لبنان سی‌ون واحد من الساحات التي ستعكس فيها استعراضات القوة الإيرانية، أو واحدة من نقاط الانطلاق نحو مغامرات تدخل في لعبة تعديل موازين القوة داخل إيران، على الرغم من التبعات الخطيرة لمثل هذه الاحتمالات، إلا أنها احتمالات قائمة!» (الشرق الأوسط، ۲۸/۱۰/۲۰۱۶). در این پاراگراف، نویسنده، لبنان و ایران را به عنوان دو کنش‌گر روبروی هم قرار داده است. سپس اقدامات و کارکرد کنش‌های ایران (سی‌ون واحد من الساحات التي ستعكس فيها) را به زمان آینده منتقل کرده است. همچنین در ادامه، عملکرد نیروهای داخل ایران را به مکان دیگر (لبنان) انتقال داده است.

هویت درهمی (distillation): دومین استراتژی بازنمایی در روش وارونگی است. «در این تکنیک، عوامل اجتماعی با توجه به سایر کنش‌گرانی که در شرایط عادی واجد شرایط و مجاز به انجام آن اعمال هستند مقایسه می‌شوند» (پوشنه، ۱۳۹۲: ۷): «العالم يتعامل مع لبنان باعتبار أن حسن نصر الله رئيسه، أيًا تكن هوية الرئيس الدستوري و انتماءه السياسي. هذا معطى جديد في العلاقة مع البلد و قواه السياسية، و هذه أزمة تفاقمت مع انتهاء المشروع السياسي للحركة السیادية، بحيث لم تعد لا حركة سیادية و لا حتى كتلة انتخابية موحدة مكونة من ۵۷ صوتاً في البرلمان!!» (الشرق الأوسط، ۲۸/۱۰/۲۰۱۶). در این نمونه، نویسنده هویت رئیس‌جمهور قانونی لبنان را که در زمان نگارش متن هنوز انتخاب نشده بود در مقابل هویت و جایگاه سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله قرار داده است. در شرایط عادی، دنیا رئیس‌جمهوری که اکثریت آرای ملت/ پارلمان خویش را در اختیار دارد به عنوان نماینده رسمی و قانونی یک کشور در مجامع جهانی می‌شناسد اما نویسنده مدعی است رئیس‌جمهور آینده لبنان هر

کسی و از هر حزب سیاسی که باشد در مقابل هویت و جایگاه نصرالله، کاری از پیش نخواهد برد و بود و نبود رئیس جمهور در لبنان مادامی که نصرالله از تاثیرگذاری و قدرت کنونی در عرصه سیاسی لبنان به طور عام و سیاست این کشور در قبال عربستان به طور خاص، برخوردار باشد، تفاوتی به حال این کشور نخواهد داشت. نیز مدعی است که خط مشی‌های فکری نصرالله تحت تاثیر ایران است؛ به عبارتی نویسنده این موضوع را القا می‌کند که در نتیجه نبود هویت تعریف شده و عادی برای رئیس‌جمهور قانونی لبنان، نصرالله با استفاده از وضعیت هویت درهمی، به عنوان بازوی اجرایی ایران، سیاست‌های این کشور را در مخالفت با عربستان سعودی در سیاست خارجی لبنان به اجرا درمی‌آورد.

نمادین‌شدگی (symbolization): به جای بازنمایی کنش‌گران واقعی در کارکردهای اجتماعی متعارف و معمول، یک کنش‌گر یا گروهی از کنش‌گران تخیلی و داستانی بازنمایی می‌شوند (پوشنه، ۱۳۹۲: ۷): «نحن أمم مهزلة دولية حقيقية في سوريا، خصوصا الجرائم التي ترتكب في حلب، وحوها، وهي مهزلة تحدث أمام أعين الأمم المتحدة، وأميركا، والغرب» (الشرق الأوسط، ۲۰۱۶/۸/۳). در این بند به جای بازنمایی کنش‌گران فعال در سوریه، از تعبیر «مهزلة» استفاده شده تا مخاطب، عملکرد کنش‌گران را به صورت نمادین به عنوان بازیگران یک نمایش مضحک تصور کند.

دلالت ضمنی (connotation): یک مشخص‌نمایی منحصر به فرد، یک نام‌بری یا هویت‌نمایی جسمی جای طبقه‌بندی یا کارکردنمایی را می‌گیرد. آداب و رسوم، سنن فرهنگی و تجربیات، تعیین‌کننده مفهوم و بار معنایی و تضمن‌ها هستند (همان): «عادت الجوقة الداعية إلى تقسيم العراق إلى الصدارة مع استمرار حملة استعادة الموصل من تنظيم داعش. ولتلك الجوقة تاريخ طويل، وترددت دعواها في كثير من المناسبات...» (الشرق الأوسط، ۲۸/۱۰/۲۰۱۶). در این پاراگراف از کنش‌گران فعال در عراق با تعبیر «الجوقة» بازنمایی شده است. این نوع بازنمایی خاص به وسیله واژه «الجوقة» که به معنای گروه و دسته می‌باشد به این دلیل صورت گرفته تا کنش‌گران فعال در عراق همانند یک گروه کُر موسیقی در تجزیه عراق، هماهنگ نشان داده شوند.

فشرده‌شدگی (aggregation): در این استراتژی، مولف‌های مشترک، میان کنش‌گران با کارکردهای متفاوت ذهنی بررسی می‌شود: «اختلافت السعودية مع الحكومة اللبنانية، ووزارتها الخارجية كان العنوان العريض للخلاف أساسه خروج لبنان عن عروبتة، الأمر نفسه يجري من بعض السياسيين في العراق، وتأكيد السفير على «عروبة العراق» لا يروق إيران، بينما ساسة شيعة من بينهم مقتدى الصدر، يطالبون بالعودة إلى الرؤى العربية، والمجال المصلحي العربي لا الفارسي» (الشرق الأوسط، ۲۰۱۶/۹/۳۰).

در این پاراگراف، مولفه «عروبة» نزد چندین کنش‌گر با کارکردهای مختلف به بحث گذاشته شده است. در جمله اول، نویسنده مدعی است که لبنان از «عروبة» خویش فاصله گرفته و همین مسأله دلیل اصلی اختلافات با عربستان سعودی است. سپس برخی سیاستمداران عراق را هم به همین عنوان مورد اتهام قرار داده و می‌گوید سفیر عربستان در عراق نیز این مسأله را مدنظر قرار داده و بدان تصریح کرده است. مقتدی صدر از رهبران شیعه عراق، کنش‌گر بعدی است که نویسنده معتقد است او خواستار بازگشت به «عروبة» است. در انتهای بند، نویسنده مفهوم «عروبة» را در مقابل «مصلحت فارسی» قرار داده تا تقابل منافع عربی و ایرانی را چاشنی عدم توازن سطح وفاداری کنش‌گران موجود در متن به «عروبة» عربی قرار دهد.

۳-۲-۲. نامشخص‌سازی (indetermination)

نامشخص‌سازی زمانی رخ می‌دهد که «کنش‌گرهای اجتماعی به صورت افراد یا گروه‌های نامشخص و گمنام بازنمایی شوند. به طور معمول نامشخص‌سازی با به کارگیری ادات ابهام و ضمائر مبهم مانند «هرکس»، «اندکی»، «بعضی»، «آنها» در جلوی اسامی و تعبیرات حاصل می‌شود» (سعیدنیا، ۱۳۹۳: ۶۹۴). نامشخص‌سازی به سه روش پیوند، تفکیک و نام‌دهی انجام می‌پذیرد:

پیوند زدن (association) و پیوندزدایی (dissociation): در این روش، «کنشگران اجتماعی که درباره فعالیت یا دیدگاه خاصی، نظر واحد دارند، به شکل گروهی و پیوسته بازنمایی می‌شوند» (اسدی و گلغام، ۱۳۹۴: ۱۱). این نوع بازنمایی اغلب با استفاده از حروف ربط

همپایه‌ساز انجام می‌شود. با این حال این گروه‌ها ممکن است در موضوع دیگری وحدت نظر نداشته باشند: «الخطورة الحقيقية التي تواجه المنطقة برمتها هي أن أكثر من عشرين ميليشيا عراقية مسلحة يتكون منها الحشد الشعبي، منها «بدر» و«كتائب حزب الله» و«سرايا الخراساني» و«عصائب أهل الحق» و«النجباء» و«كتائب الإمام علي» و غیرها، وكلها مرتبطة رسميًا ودينياً وعقائديًا بالاستراتيجية الإيرانية في تقوية الميليشيات على حساب القوات الرسمية للدولة» (الشرق الأوسط، ۲۰۱۶/۹/۷). گروه‌های «بدر»، «كتائب حزب الله»، «سرايا الخراساني»، «عصائب أهل الحق»، «النجباء» و «كتائب الإمام علي» کنش‌گرانی هستند که با حرف ربط «واو» به هم پیوند داده شده‌اند. از منظر نویسنده این گروه‌ها که بخشی از بیست گروه عراقی مسلح فعال در عراق هستند، در تبعیت از استراتژی‌های دینی و عقیدتی ایران وحدت نظر دارند و این تبعیت نقطه اشتراک آن‌ها به شمار می‌رود.

تفکیک کردن (differentiation) و تفکیک نکردن (indifferentiation): در این تکنیک، «با صراحت یک فرد یا گروه اجتماعی از کنش‌گران را از گروه‌های مشابه دیگر تفکیک کرده و بدین طریق، گروهی «خودی» و گروهی «غیرخودی» طبقه‌بندی می‌شوند اما در تفکیک نکردن، چنین تمایزی وجود ندارد» (سعیدنیا، ۱۳۹۳: ۶۹۵): «طوال نصف قرن مضی لم تزد السعودية إلا صلابة في تأمين موسم الحج، بينما أخذت إيران تحرض أیادها في الخليج لزعة موسم الحج منذ أوائل الثمانينات... بغية إخراج السعوديين» (الشرق الأوسط، ۲۰۱۶/۹/۶). در این نمونه، عربستان و ایران به عنوان دو کنش‌گر متضاد از مجموعه کشورهای اسلامی، بازنمایی شده‌اند که عملکردشان درباره یک مسئله مشترک یعنی مراسم حج از هم تفکیک شده است. نویسنده، عربستان را به صورت گروه خودی در میان مسلمانان که در تلاش برای برگزاری امن مراسم حج است بازنمایی کرده اما ایران نماینده گروه غیرخودی است که با روش‌های مختلف در تلاش است امنیت حج را خدشه‌دار کند و از این طریق بر عربستان فشار وارد کند.

نام‌دهی (nomination) و طبقه‌بندی (categorization): «در صورتی که کنش‌گران اجتماعی در یک گفتمان، با توجه به هویت منحصر به فرد خودشان بازنمایی شوند، نام‌دهی به کار رفته است» (سعیدنیا، ۱۳۹۳: ۶۹۵). در نام‌دهی می‌توان از عنوان‌دهی نیز استفاده کرد.

عنوان دهی می‌تواند جنبه مقام‌دهی یا نسبت‌دهی داشته باشد؛ مانند «المرشد علی خامنه‌ای»، «السفير ثامر السبهان»، «مقتدى الصدر»، «جواد ظریف»، «عادل الجبیر»، «ایران»، «السعودية»، «العراق»، «لبنان»، «داعش»، «الناتو» و...

اما در استراتژی طبقه‌بندی، «کنش‌گران با توجه به هویت جمعی و نقش‌هایی که در آن با کنش‌گران دیگر سهیم هستند معرفی می‌گردند» (سعیدنیا، ۱۳۹۳: ۶۹۵). طبقه‌بندی، خود به سه روش انجام می‌شود:

نقش‌دهی (functionalization): کنش‌گران بر اساس کارکرد اجتماعی و شغلشان بازنمایی می‌شوند: «الحكومة العراقية بعثت الجيش لجنوب شرقي الموصل، وسيطر رجاله على عدة مدن على ضفة دجلة الشمالية.. هذا الجيش لا يحظى بتأييد وقبول السنة الذين يقطنون الموصل، لأن الجيش استعان بـ«الحشد الشعبي» الذي ينتمي أفراده للمليشيات الشيعية التابعة للأحزاب الطائفية في العراق بدعم قوي من إيران والجنرال قاسمي» (الشرق الأوسط، ۲۱/۱۰/۲۰۱۶). در این نمونه، از چند تکنیک استفاده شده است. «الحكومة العراقية»، «الجيش» و «المليشيات الشيعية» با روش نقش‌دهی بر حسب کارکرد اجتماعی بازنمایی شده‌اند. «الحشد الشعبي» با استفاده از روش عنوان‌دهی با اسم خاص ذکر شده و ایران، عراق و «الجنرال قاسمي» با استفاده از روش نام‌دهی، در متن آمده‌اند. در این جمله «لم يعد وزير الخارجية الإيراني جواد ظريف ظرفاً» با استفاده از تکنیک نقش‌دهی بر اساس شغل و کارکرد اجتماعی بازنمایی شده است.

هویت‌دهی (identification): در این روش کنش‌گران بر اساس ویژگی‌های ذاتی خود بازنمایی می‌شوند که خود به سه شکل مقوله‌ای، نسبتی و ظاهری انجام می‌شود (پوشنه، ۱۳۹۲: ۶). در هویت‌دهی مقوله‌ای (classification)، افراد بر اساس قراردادهای طبیعی، فرهنگی و تاریخی مشخص می‌شوند؛ مانند نژاد، قومیت، جنس، مذهب، حرفه، طبقه اجتماعی و غیره (سعیدنیا، ۱۳۹۳: ۶۹۵): «ما يروجه طهران من اتهامات على الرياض، و افتراءات بأنها على علاقة مع الدولة العبرية» (الشرق الأوسط، ۲۱/۹/۲۰۱۶). در این پاراگراف به جای اسرائیل یا «الكيان الصهيوني» که غالباً برای نامیدن رژیم اشغال‌گر قدس استفاده می‌شود از عبارت «الدولة العبرية» استفاده شده که بازنمایی مذهبی است. «أن فصائل الحشد الشعبي الشيعية»، «الأكراد بدورهم..» و «إن العرب و المسيحيين و الآشوريين و الإيزيديين و غيرهم هم

مکونات رئيسية في العراق» (الشرق الأوسط، ۲۱/۱۰/۲۰۱۶). «فصائل الشيعة» برای نامیدن الحشد الشعبي، «الأكراد»، «العرب»، «المسيحيين»، «الأشوريين» و «الإيزيديين» نیز بازنمایی‌های مذهبی و قومی برای گروه‌های مورد ارجاع خویش هستند. در هویت‌دهی نسبتی (relational identification)، کنش‌گران بر اساس روابط خویشاوندی، دوستی یا روابط شغلی با یکدیگر بازنمایی می‌شوند (پوشنه، ۱۳۹۲: ۶): «إسرائيل التي تقول إيران إنها العدو الرئيسي» (الشرق الأوسط ۲۷/۱۰/۲۰۱۶). در این جا اسرائیل به عنوان دشمن اصلی ایران بازنمایی شده است که نوعی هویت‌دهی نسبتی بر مبنای تضاد است. «إضافة إلى إسرائيل، تحتفظ موسكو بعلاقات جيدة مع مصر وتركيا و الدول الستة العربية التي ليست إيران على علاقات جيدة معها» (الشرق الأوسط، ۲۷/۱۰/۲۰۱۶). در این جمله برای توصیف وضعیت و نسبت روابط ایران با همسایگان از هویت‌دهی نسبتی استفاده شده است. به این صورت که روسیه به عنوان دوست ایران به عنوان کشوری معرفی شده که علاوه بر اسرائیل با ترکیه و کشورهای سنی روابط حسنه دارد؛ در ادامه نویسنده مدعی می‌شود که این کشورها با ایران رابطه خوبی ندارند. بدین ترتیب با یک بازنمایی خاص، روابط ایران با روسیه را زیر سوال برده و این شبهه را ایجاد می‌کند که ایران علی‌رغم ادعای پایبندی به مبادی اعتقادی خویش، در عمل به آن‌ها وفادار نیست. در هویت‌دهی ظاهری (physical identification)، کنش‌گر بر حسب ویژگی‌های جسمانی که او را منحصر به فرد می‌کند بازنمایی می‌شود: «لم يعد وزير الخارجية الإيراني جواد ظريف ظريفاً، والابتسامة التي لازمت وجهه منذ توليه منصبه غادرت» (الشرق الأوسط، ۲۱/۹/۲۰۱۶). در این بند، جواد ظریف با اشاره به لبخند او که در محافل سیاسی داخلی و خارجی بدان شهرت دارد، بازنمایی شده است.

ارزش‌دهی (appraisal): در این روش به کنش‌گران با اصطلاحات تقابلی اشاره می‌شود و آن‌ها بر اساس ارزش‌های مثبت یا منفی که دارند بازنمایی می‌شوند. «لم تزد السعودية إلا صلابة في تأمين موسم الحج، بينما أخذت إيران تحرض أياؤها في الخليج لزعة موسم الحج» (الشرق الأوسط، ۶/۹/۲۰۱۶).

۳-۲-۳. تشخیص‌زدایی (impersonalisation)

در این روش عاملان اجتماعی با مشخصه‌های غیر انسانی نمایانده می‌شوند. مانند بازنمایی آمریکا با عبارت «الشيطان الأكبر»: «سوف تُحسَن تركيا وإيران صنعًا بعدم اللعب في عش الدبابير لأكثر من ذلك» (الشرق الأوسط، ۲۸/۱۰/۲۰۱۶). تشخیص‌زدایی به دو روش انتزاعی کردن (abstraction) و عینی کردن (objectivation) صورت می‌گیرد. در انتزاعی کردن کنش‌گران با صفتی و کیفیتی (که در ذهن تصویرساز به آن‌ها نسبت داده می‌شود) نمایانده می‌شوند (غیائیان، ۱۳۸۶: ۹۶). «ومع اقتراب الموسم سنويًا تعلق الأصوات المناوئة من الإيرانيين أولاً، ومن ثم بقية المستكثرين على السعودية موقعها الاستراتيجي، وحيثيتها الدينية من العربيين الانعزاليين» (الشرق الأوسط، ۶/۹/۲۰۱۶). در این بند، ایران و مخالفان عربستان با کیفیت نسبت داده شده توسط نویسنده، بازنمایی منفی شده‌اند. «در عینی کردن، کنش‌گران را با مکان، یا ابزاری که با فعالیت آن‌ها ارتباط دارد یا با گفته و یا با اشاره به اندام آن‌ها می‌نمایانند؛ از این رو این مؤلفه‌ها به ترتیب مکان‌مداری، گفته‌مداری و اندام‌مداری نام گرفته‌اند» (غیائیان، ۱۳۸۶: ۹۶)؛ به طور مثال در «فتی نیویورک، كما يصفه بعض منافسيه داخل النظام» (الشرق الأوسط، ۲۱/۹/۲۰۱۶). منظور از فتی نیویورک، محمد جواد ظریف است که با شیوه عینی‌سازی و مکان‌مداری بازنمایی شده است. نیز در جمله «ينوي التحالف الدولي، وعلى رأسه واشنطن، القيام بعملية عسكرية ضد «داعش» في فصل الحريف» (الشرق الأوسط، ۲۱/۱۰/۲۰۱۶) به جای ذکر دولت آمریکا یا سیاست‌مداران آمریکا، «واشنطن» آمده است که عینی‌سازی از نوع مکان‌مداری است.

۴. نتیجه

در سطح کلان متن می‌توان گفت ایران در متون مورد بررسی به عنوان کنش‌گر فعال با رویکرد منفی بازنمایی شده است. این کنش‌گری تخریب‌گرانه که برای ایران ترسیم شده، چه در شاخه ارجاع‌دهی و چه تعیین نقش، به طور اساسی در خدمت ایدئولوژی و راهبرد سیاسی دولت‌مردان عربستان قرار دارد که تلاش دارند ایران را به عنوان یک خطر منطقه‌ای به شهروندان خاورمیانه معرفی کنند. ارزش‌دهی منفی، فعال‌سازی منفی، تأثیرپذیری منفی

دیگر کنشگران فعال متن از ایران، تقابل کنش‌گری ایران و عربستان در موارد مختلف و... بخشی از این نمودهای متنی این رویکرد است. در زیرشاخه‌های روش واگذاری نقش، که متشکل از فعال‌سازی و منفعل‌سازی است، بیشترین نمود فعال‌سازی منفی برای ایران مشاهده می‌شود. همچنین تکنیک‌های ارجاع‌دهی به گونه‌ای مورد استفاده قرار گرفته که در هر دو زیرشاخه تشخیص بخشی و تشخیص زدایی، بیشترین حجم بازنمایی منفی از کنش‌گری ایران صورت پذیرد. این رویکرد در تکنیک تفکیک نیز دنبال شده است به این شکل که ابتدا عربستان و ایران به عنوان دو کنش‌گر مخالف از مجموعه کشورهای اسلامی، بازنمایی شده، سپس ایران به عنوان کنش‌گری که اقداماتش در جهت تخریب گروه‌های خودی (متشکل از عربستان و سایر کشورهای اسلامی) است، معرفی شده است.

هویت‌دهی به کنش‌گران متن بر اساس ویژگی‌های مذهبی، نژادی، طبقه اجتماعی و قومیت، نسبت دادن انواع صفات منفی و اتهامات متعدد به ایران و بازنمایی از عربستان با صفات مثبت و عملکرد منطقی و صلح‌طلبانه، رویکردی است که بر اساس استراتژی کلان این متون مبنی بر ترسیم نقش متعارض برای ایران و عربستان قابل توجیه است.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس، اسدی، مسعود، گلفام، ارسلان، افراشی، آزیتا (۱۳۹۴)، «مؤلفه‌های زبانشناختی و جامعه‌شناختی-معنایی و بازنمایی کنشگران اجتماعی در متون مطبوعاتی»، *جستارهای زبانی*، ش ۲۳، صص ۱-۲۴.
- پوشنه، آتنا، بابک معین، مرتضی (۱۳۹۲)، «تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان‌مدار با توجه به بازنمایی کنشگران اجتماعی»، *جستارهای زبانی*، ش ۱۴، صص ۱-۲۶.
- سعیدنیا، نرجس، اسدی، مسعود (۱۳۹۳)، «بازنمایی زن در رمان‌های سووشون و سنگ صبور از منظر تحلیل گفتمان انتقادی»، *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، ش ۳۳۱، صص ۶۸۷-۷۰۴.
- غیاثیان، مریم سادات (۱۳۸۶)، *بازنمایی اسلام در نشریات آمریکا و انگلیس قبل و بعد از یازدهم سپتامبر در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی*، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- مک‌دانل، دایان (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمانی*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۹)، *نظریه‌های رسانه*، تهران: همشهری.
- میلز، سارا (۱۳۸۲)، *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، تهران: فرهنگ گفتمان.

ون دایک، تئون (۱۳۸۲)، *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳)، «بازنمایی کنشگران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان مدار جامعه شناختی-معنایی»، *مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، صص ۴۲۱-۴۴۳.

_____ (۱۳۸۱)، «تحلیل گفتمان با استفاده از مولفه‌های جامعه شناختی-معنایی گفتمان مدار با عنایت به تصویرسازی کارگزاران اجتماعی»، *ادب و زبان*، ش ۱۵ و ۱۶، صص ۱۰۵-۱۱۸.

_____ (۱۳۸۳)، *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.

_____ (۱۳۹۳)، *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران: هرمس.

الحسینی، هدی (۲۰۱۶/۱۰/۲۷)، *روسیا تستغل الحرب في سوريا لزعة الحلف الأطلسي*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۸۴۸.

الحُمید، طارق (۲۰۱۶/۸/۳)، *اللب و المزهلة الدولية*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۷۶۳.

الدخیل، ترکی (۲۰۱۶/۹/۶)، *حج بلا السعودية.. حج بلا إيران*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۷۹۷.

الدخیل، ترکی (۲۰۱۶/۹/۳۰)، *اغتيال سفراء السعودية*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۷۹۰.

الدوسري، سلمان (۲۰۱۶/۹/۷)، *عندما تتحول الميليشيا إلى جيش*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۷۶۷.

راشد، عبدالرحمن (۲۰۱۶/۱۰/۱۸)، *عمان بين الخليج و إيران*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۸۳۹.

طاهري، أمير (۲۰۱۶/۱۰/۲۸)، *الشرق الأوسط بين العثمانيين الجدد والصفويين الجدد*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۸۴۹.

فحص، مصطفى (۲۰۱۶/۹/۲۱)، *إيران و التصدي السعودي الصلب*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۸۱۲.

قطيش، نديم (۲۰۱۶/۱۰/۲۸)، *ميشل عون ليس حلاً.. ليس مشكلة*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۸۴۹.

يوسف العيسى، شملان (۲۰۱۶/۱۰/۲۱)، *ماذا بعد تحرير موصل؟*، *صحيفة الشرق الأوسط*، العدد ۱۳۸۴۲.

van Dijk, T. (2001). *Ideology and Discourse: A Multidisciplinary Introduction*. Barcelona: Pompeu Fabra University.

References

Aghagolzadeh, F., Asadi, M., Golfam, A., & Afrashi, A. (2015). Linguistic and Sociological-Semantic Components and Representation of Social Activists in Press Texts. *Linguistic Research*, No. 23, 1-24. [In Persian].

Ghiasian, M. S. (2007). Representation of Islam in American and British Publications before and after 9/11 in the Context of Critical Discourse Analysis. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian].

McDonnell, Diane (2001). *Introduction to Discourse Theories*. (H. A. Nozari, Trans.) Tehran: Farhang Gofman. [In Persian].

- Mills, S. (2003). *Discourse*. (F. Mohammadi, Trans.) Tehran: Discourse Culture. [In Persian].
- Mehdizadeh, S. M. (2010). *Media Theories*. Tehran: Hamshahri Publications. [In Persian].
- Pooshaneh, A., & Babak Moin, M. (2013). Analysis of Critical Discourse in a Work by Ebrahim Golestan Using Sociological-Semantic Components of Dialogue-Based Discourse with Representation of Social Activists. *Journal of Linguistic Research*, No. 14, 1-26. [In Persian].
- Saeidnia, N. & Asadi, M. (2014). Representation of Women in Sooshoon and Sang Sabour Novels from the Perspective of Critical Discourse Analysis. *Collection of Articles of Allameh Tabatabai University*, No. 331, 687-704. [In Persian].
- van Dijk, T. (2001). *Ideology and Discourse: A Multidisciplinary Introduction*. Pompeu Fabra University, Barcelona.
- (2003). *Studies in Discourse Analysis: From Textbook to Critical Discourse*. Tehran: Center for Media Studies and Research. [In Persian].
- Yarmohammadi, L. (2002). Discourse Analysis Using Sociological-Semantic Components of Dialogue with Consideration of Social Agents. *Journal of Literature and Language, Shahid Bahonar University of Kerman*, No. 15 and 16, 105-118. [In Persian].
- (2009). Representation of Social Activists in the Palestinian-Israeli Conflict through Sociological-Semantic Diagnostic Structures. *Proceedings of Allameh Tabatabai University*, No. 6, 421-443. [In Persian].
- (2004). *Common and Critical Discourse*. Tehran: Hermes Publishing. [In Persian].
- (2014). *Communication from the Perspective of Critical Discourse Studies*, Tehran: Hams Publishing. [In Persian].
- Al-Hamid, T. (3/8/2016). Aleppo and Al-Muzhalah International, As-Sharq Al-Awsat, No. 13763. [In Arabic].
- Al-Dakhil, T. (9/3/2016). Assassination of Saudi Ambassadors, Al-Sharq Al-Awsat newspaper, No. 13790. [In Arabic].
- Al-Dakhil, T. (9/6/2016). Hajj without Saudi Arabia ... Hajj without Iran, Asharq Al-Awsat newspaper, No. 13797. [In Arabic].
- Al-Dosari, S. (9/7/2016). When the Militia Turns into an Army, As-Sharq Al-Awsat, No. 13767. [In Arabic].
- Fahs, M. (21/9/2016). Iran and the Saudi solid confrontation, Asharq Al-Awsat newspaper, No. 13812. [In Arabic].
- Rashid, A. (18/10/2016). Oman between the Gulf and Iran, Asharq Al-Awsat newspaper, No. 13839. [In Arabic].
- Youssef Al-Essa, S. (21/10/2016). What after Editing Mosul? Al-Sharq Al-Awsat Newspaper, Issue No. 13842. [In Arabic].
- Al-Husseini, H. (27/10/2016). Russia exploits the war in Syria to destabilize NATO, Asharq Al-Awsat newspaper, issue 13848. [In Arabic].
- Qutaish, Nadim, M. (28/10/2016). Aoun is not a solution ... not a problem, Asharq Al-Awsat newspaper, No. 13849. [In Arabic].
- Taheri, E. (28/10/2016). The Middle East between the New Ottomans and the New Safavids, As-Sharq Al-Awsat, No. 13849. [In Arabic].